

لزوم تدوین قانون جامع ناظر بر فعالیت سازمان‌های غیردولتی^۱

ایوب زارعی

چکیده

قانون مناسب برای سازمان‌های غیردولتی به افراد اجازه می‌دهد تا اندیشه‌های متنوع خود را پیگیری کنند و به تکثرگرایی واقعی جامعه مدنی یاری رسانند. چنین قانونی در تأمین آزادی تشکیل و حفظ انجمن‌ها، تقویت روحیه بردباری و پذیرش تکثر آرا و عقاید، تحکیم ثبات و استواری جامعه، حکومت قانون و کمک به پیشبرد مشارکت مردمی در گسترش برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی نقش دارد.

با وجود این که سازمان‌های غیردولتی در ایران پیشینه‌ای دیرین دارد اما هنوز قانون خاص و جامعی که چگونگی تشکیل سازمان‌های غیردولتی و نظارت بر فعالیت‌های آن‌ها را روشن سازد وجود ندارد.

عمده‌ترین کاستی‌های قانونی موجود میان دولت و سازمان‌های غیردولتی عبارت‌است از: انارسا بودن قانون، قدیمی بودن نظام‌های قانونی، وجود قوانینی که سلطه و نظارت دولت را

۱. گزارش حاضر در دفتر مطالعات سیاسی مرکز پژوهش‌های مجلس تنظیم شده و در دی ماه ۱۳۸۱ مستقلاً با شماره ۶۵۶۷ انتشار یافته است.

شدت می‌بخشد، وجود قوانین متعدد، سوء استفاده بر الزامات مربوط به صدور مجوز و پروانه فعالیت، استفاده از شبه سازمان‌های غیردولتی و سازمان‌های دولتی، عدم حمایت مالی از بخش غیردولتی، بی‌توجهی به مقررات داخلی سازمان‌های غیردولتی.

با عنایت به این مشکلات، تدوین و تصویب قانون جامع ناظر بر تشکیل و فعالیت سازمان‌های غیردولتی ضمن زمینه‌سازی تسهیل شرایط و ضوابط تأسیس و فعالیت سازمان‌های غیردولتی، دامنه حمایت و نظارت قانون‌مند بر آن‌ها را گسترش می‌دهد و مشارکت گسترده مردم در امور مختلف را هم ممکن می‌سازد.

مقدمه

امروزه سازمان‌های غیردولتی (NGOs)^۱ در سطوح ملی و بین‌المللی جایگاه رفیعی در نظام‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دارند. در چند دهه گذشته تعداد و نقش سازمان‌های غیردولتی، چه در جوامع صنعتی و چه در کشورهای در حال توسعه همواره رو به افزایش بوده است. حیطه عمل این سازمان‌ها فعالیت‌هایی است چون ارائه خدمات و کمک به مردم مصیبت‌زده در جنگ‌ها، زلزله یا سیل؛ تأسیس مراکز بهداشتی و رفاهی؛ فقرزدایی و اشتغال‌زایی؛ تبلیغات و آموزش نظری برای افزایش آگاهی‌های مردم، سیاستمداران و قانونگذاران؛ ایفای نقش گروه نفوذ برای رساندن صدای مردم به ویژه گروه‌های محرومی چون زنان، اقلیت‌ها و تهیدستان به گوش مسئولان؛ افزایش ظرفیت (افزایش توانایی‌های خود در راه انجام دادن مأموریت‌های‌شان)؛ بسیج منابع؛ ارتباطات و شبکه‌سازی؛ پژوهش و به طور کلی طیف گسترده‌ای که از حمایت صرف نظیر کمک به محرومان و فقرا تا فعالیت‌های توسعه‌ای و رسانه‌ای را در برمی‌گیرد. فعالیت‌های سازمان‌ها یا نهادهای جامعه مدنی در چهار گروه قابل دسته‌بندی است:

۱. نمایندگی منافع و علایق گروه‌های خاص در مناسبات با دولت و سایر بخش‌های

جامعه؛

1. Non _ Governmental Organizations

۲. بسیج فعالان اجتماعی برای افزایش آگاهی و اعمال نفوذ؛
۳. قانونگذاری و نظارت بر عملکرد دولت و رفتار و اعمال مقامات؛
۴. فعالیت‌های توسعه‌ای و اجتماعی برای گروه‌هایی که نمایندگی آن‌ها را برعهده دارند؛

سازمان‌های غیردولتی با حضور در میان مردم و عمل در عرصه‌های خردی که معمولاً از دید دولت دور مانده است ضمن جلب اعتماد مردم علایق، مطالبات و نیازهای آن‌ها را شناسایی و همچون نمایندگان مردم به دولت منعکس می‌کنند. سازمان‌های یاد شده با ایفای چنین نقشی بر اعتماد مردم به خود می‌افزایند و با بسیج آن‌ها در قالب سازمان‌های غیردولتی به فرایند مشارکت مردم در تصمیمات مربوط به خود مدد می‌رسانند. به عبارت دیگر، سازمان‌های غیردولتی در این حوزه سیاست‌سازند و به طور غیرمستقیم بر سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی دولت تأثیر می‌گذارند. به طور کلی سازمان‌های غیردولتی محصول اعتماد متقابل دولت و ملت هستند. گسترش دامنه اعتماد موجب افزایش حضور مردم در سازمان‌های میانجی می‌شود و افزایش سرمایه‌های اجتماعی، جامعه مدنی را فربه‌تر و کارکرد نهادهای آن را تسهیل و تسریع می‌کند. گسترش حضور مردم در نهادهای جامعه مدنی نقش آنان را در تعیین سرنوشت خود پررنگ‌تر، و فرایند مشارکت توده‌ای را به مشارکت تأثیرگذار، هدف‌مند، سازمان‌دهی شده و فعال تبدیل می‌کند. سازمان‌های غیردولتی به دلیل ایفای نقش واسط میان دولت و مردم، نیز فعالیت در عرصه‌های نمایندگی و بسیج عمومی، قانونگذاری، نظارت، فعالیت‌های اجتماعی و توسعه‌ای موجب تسهیل روند مداخله و مشارکت مردم در امور خود و تسریع فرایند گسترش دموکراسی می‌شوند. بدین گونه جامعه مدنی چونان حوزه‌ای غیردولتی هویت می‌یابد و پایگاه اجتماعی دولت نیز گسترش پیدا می‌کند.

اهمیت قانون

قانون مناسب برای سازمان‌های غیردولتی به افراد اجازه می‌دهد تا اندیشه‌های متنوع خود را پیگیری کنند و به تکثرگرایی واقعی جامعه مدنی یاری رسانند؛ با تحقق قانونی حق آزادی بیان و آزادی تشکیل انجمن، پشتوانه‌های محکمی برای نهادهای دموکراسی ایجاد کنند؛ با تقویت اصول شفافیت و پاسخگویی، سازمان‌های غیردولتی را در تحکیم ثبات و پایداری اجتماعی و اجرای قانون یاری رسانند؛ با کمک به توسعه جامعه مدنی، دموکراسی و ثبات، توسعه اقتصادی و اقتصاد بازار را تقویت کنند و سرانجام، با فراهم کردن منافع اجتماعی بیشتر و خدمات بسیار کارآمدتر - در مقایسه با دولت - در رفاه اجتماعی سهیم شوند.

جامعه مدنی مستقل و نیرومند در بستری متکثر و دموکراتیک به وجود می‌آید. قوانینی که حقوق افراد و سازمان‌های جامعه مدنی را تضمین و از آن حفاظت کند، جامعه مدنی را نیرومندتر می‌سازد و در فراهم سازی امکان آزادی بیان و آزادی تشکیل انجمن نقش اساسی ایفا می‌کند.

قوانین به سازمان‌های غیردولتی اجازه می‌دهد تا به سادگی و آسانی بدون دیوان‌سالاری نامناسب و ملاحظات اداری تشکیل شوند؛ بدون رضایت دولت، فعالیت‌های خود را انجام دهند؛ و به طور مستقیم یا غیرمستقیم سرمایه خود را از محل معافیت‌های مالیاتی، منابع خصوصی، دولتی یا بین‌المللی برای هزینه کرد در راستای اهداف سازمان به دست آورند.

به طور خلاصه، اهمیت قانون را می‌توان در تأمین آزادی تشکیل و حفظ انجمن‌ها، تقویت روحیه بردباری و پذیرش تکثر آرا و عقاید، پیشبرد ثبات و استواری جامعه، حکومت قانون و کمک به پیشبرد مشارکت مردمی در گسترش برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی دانست.

ضرورت قانون

سازمان‌های غیردولتی در ایران پیشینه‌ای دیرین دارند. شاید نتوان سازمان‌های غیردولتی با تعاریف، ویژگی‌ها و نقش‌های امروزی را در دهه‌های گذشته ایران یافت اما اطلاعات به

دست آمده از فعالیت تشکل‌های مردمی در گذشته نشان می‌دهد که بسیاری از آن‌ها با بهره‌گیری از ظرفیت‌های انسانی و مالی داوطلبان و با پشتوانه‌ای معنوی، مذهبی و خیرخواهانه در امور مختلف به فعالیت می‌پرداختند. وضعیت کنونی سازمان‌های غیردولتی در ایران متأثر از تحولات داخلی و بین‌المللی است به طوری که تعداد، نقش و کارکرد آن‌ها رشد روزافزون و تغییرات مثبتی را نشان می‌دهد. این سازمان‌ها با کارکردهای متفاوت و متنوع نقش‌های گوناگونی ایفا می‌کنند. اما سازمان‌های غیردولتی ایران با وجود رشد فزاینده هنوز از جایگاه مناسبی در نظام سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، نظارت و اجرا برخوردار نیستند. علل و عوامل گوناگونی بر نایل شدن سازمان‌های غیردولتی به جایگاه واقعی خود در برنامه‌های توسعه کشور تأثیر گذاشته است که برخی از آن‌ها ناشی از ضعف کارکردی خود سازمان‌هاست که می‌توان آن را «ضعف‌های درونی سازمان‌های غیردولتی» خواند. اما آنچه در این جا مدنظر است عمده تهدیدات یا محدودیت‌های بیرونی سازمان‌های غیردولتی است که به ضعف یا فقدان نظام جامع قانونی مرتبط با فعالیت اینگونه سازمان‌ها باز می‌گردد.

جایگاه قانونی سازمان‌های غیردولتی

در حال حاضر قانون خاص و جامعی که چگونگی تشکیل سازمان‌های غیردولتی و نظارت بر فعالیت آن‌ها را روشن سازد وجود ندارد. آیین‌نامه‌ها و مصوباتی هست که به فعالیت تشکل‌های غیردولتی می‌پردازد اما هر یک یا اشکالاتی دارد که با ماهیت واقعی سازمان‌های غیردولتی در تناقض است یا به صورت جزئی و بخشی به نوع خاصی از تشکل‌های غیردولتی می‌پردازد. برخی از مهم‌ترین آیین‌نامه‌ها و مصوبات در این زمینه عبارت است از:

۱. آیین‌نامه اصلاحی ثبت تشکیلات و مؤسسات غیرتجاری که ناظر بر فعالیت تشکیلات و مؤسساتی است که برای مقاصد غیرتجاری تأسیس می‌شوند و عام‌المنفعه و غیرانتفاعی‌اند یا منافع متقابل اعضا را تأمین می‌کنند.

۲. قانون فعالیت احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی و اقلیت‌های دینی شناخته شده که بسیاری از سازمان‌های غیردولتی بر مبنای آن تأسیس شده‌اند و به فعالیت می‌پردازند.

۳. دستورالعمل تأسیس و تشکیل انجمن‌های صنفی و کانون‌های مربوط به قانون کار و امور اجتماعی که شرایط تشکیل انجمن‌های صنفی کارگران و کارفرمایان را برمی‌شمارد.
۴. مصوبه چگونگی اعمال ضوابط و مقررات تأسیس مراکز، مؤسسات، کانون‌ها و انجمن‌های فرهنگی و نظارت بر فعالیت آن‌ها که به چگونگی تأسیس، حقوق و تکالیف مؤسسات، کانون‌ها و انجمن‌های فرهنگی می‌پردازد.

۵. مصوبه شورای عالی اداری درباره نحوه صدور مجوز تأسیس سازمان‌های غیردولتی که به تعریف، تقسیم‌بندی و چگونگی تأسیس و ثبت تشکل‌های غیردولتی می‌پردازد. این مصوبه نزدیک به ۳ سال مبنای عمل برخی از سازمان‌های دولتی در صدور مجوز فعالیت برای سازمان‌های غیردولتی با موضوع ذی‌ربط بود که اخیراً در پی شکایت یکی از مراجع حکومتی با رأی دیوان عدالت اداری نقض شد.

عمده‌ترین کاستی‌های قانونی موجود در مناسبات میان دولت و سازمان‌های غیردولتی

۱. **نارسا بودن قانون:** ارتباط سازمان‌های غیردولتی با دولت در شقوق مختلف، مسائل زیادی را مطرح می‌سازد. اگرچه تصریح تمام مسائل و جزئیات در قانون ضرورت ندارد اما باید قوانینی تدوین شود که مناسبات مهم و ضروری را تعریف کند. در بعضی موارد، قوانینی وجود دارد که به مؤسسات مشابه سازمان‌های غیردولتی می‌پردازد اما فاقد صراحت، دامنه شمول آن موسع و مبهم است؛ به طوری که فعالیت برخی از سازمان‌های غیردولتی را در بر نمی‌گیرد. برای مثال، آیین‌نامه اصلاحی ثبت تشکیلات و مؤسسات غیرتجاری مصوب سال ۱۳۳۷، تشکیلات و مؤسسات مذکور را از لحاظ انطباق با مقررات آیین‌نامه به دو نوع تقسیم کرده است:

الف) مؤسساتی که مقصود از تشکیل آن، جلب منافع و تقسیم آن بین اعضای خود نباشد.

ب) مؤسساتی که ممکن است مقصود از تشکیل آن، جلب منافع مادی و تقسیم منافع مزبور بین اعضای خود یا غیر باشد مانند کانون‌های فنی، حقوقی و غیره.

مؤسسات مشمول بند الف، همان سازمان‌های غیرانتفاعی هستند که سازمان‌های غیردولتی در شمول آن قرار می‌گیرند. اما هیچ‌گونه تعریف جامع و مانعی از این سازمان‌ها به دست داده نشده است. برای مثال، آیا تشکل‌های سیاسی با وجود غیرانتفاعی بودن، مشمول این بند می‌شوند؟ آن چه مسلم است دامنه شمول این گروه، بر تمام مؤسسات غیرانتفاعی اعم از بنیادهای غیردولتی و مؤسسات عام المنفعه قابل تسری است اما هر یک از آن‌ها تعریفی خاص خود دارد که آن‌ها را با هم متفاوت می‌سازد. قانون احزاب هم که صرفاً احزاب و تشکل‌هایی را که با هدف فعالیت سیاسی تأسیس می‌شوند دربرمی‌گیرد به سازمان‌های غیردولتی که لزوماً فعالیت سیاسی ندارند قابل تسری نیست.

از آن جا که انجمن‌های اسلامی، تشکل‌های اقلیت‌های دینی و تشکل‌های صنفی - تخصصی بر مبنای قانون احزاب مجوز فعالیت دریافت می‌کنند ممکن است این شائبه برای دولت و حتی خود سازمان‌ها پیش آید که آنها لزوماً باید فعالیت سیاسی داشته باشند. از این رو، هنگام تدوین قانون جدید سازمان‌های غیردولتی باید دقت کرد که دامنه شمول آن به صراحت بیان گردد.

نارضا بودن قانون بسیار مشکل‌زا است. وقتی قوانین متصلب و مبهم باشند امکان سوءاستفاده از آنها بیشتر می‌شود و بنابراین اعتبار سازمان‌های غیردولتی مخدوش می‌گردد و همین سبب می‌شود که آنها نتوانند وظایف اصلی خود را به شایستگی انجام دهند. در چنین وضعیتی که قوانین مهم تدوین نشده است دولت به دلخواه در کار این سازمان‌ها دخالت می‌کند و گاه ممکن است عمده‌اً قوانینی وضع کند یا آیین‌نامه‌ها و مصوبه‌هایی را به تصویب رساند که ابتکار عمل و استقلال کافی را از این سازمان‌ها بگیرد.

۶. استفاده از شبه سازمان‌های غیردولتی و سازمان‌های دولتی: ناگفته پیداست که انواع مختلفی از سازمان‌های غیردولتی وجود دارد که بعضی وابسته به دولت و بعضی کاملاً مستقل‌اند. به سازمان‌های وابسته به دولت سازمان‌های شبه غیردولتی^۱ و سازمان‌های غیردولتی سازماندهی شده از سوی دولت گفته می‌شود. از آن جا که دولت تمایل دارد فعالیت بعضی از سازمان‌های غیردولتی را ممنوع و برخی دیگر را زیر نظر خود فعال کند ترویج این گونه سازمان‌ها باعث می‌شود که مجال کافی برای ظهور سازمان‌های غیردولتی واقعی به وجود نیاید. این موضوع، زمانی اهمیت زیادی پیدا می‌کند که دولت بخواهد در راستای سیاست‌های تمرکززدایی، قسمتی از سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی را به بخش غیرانتفاعی واگذار کند و لذا به دنبال سازمان‌هایی باشد که وابستگی زیادی به دولت داشته باشند. این سازمان‌ها ارتباط زیادی با دولت دارند و کمک‌ها و اعانه دولتی بیشتری دریافت می‌کنند. از این رو باید قوانینی وضع شود که بین این گونه سازمان‌ها - چه آن‌ها که وابسته به دولت‌اند و کمک‌ها را در شرایط خصوصی‌سازی دریافت می‌کنند و چه سازمان‌های مستقل - تمیز گذاشته شود تا با تضمین تکثیر گرایی، از اتکای زیاد دولت به سازمان‌های شبه غیردولتی و سازمان‌های غیردولتی سازماندهی شده از سوی دولت بکاهد. برای مثال، در قوانین فعلی ایران مؤسسات عمومی غیردولتی (مانند هلال احمر، جهاد دانشگاهی، انجمن اولیا و مربیان، و مانند آن) وضعیت مشخصی ندارند.

۷. عدم حمایت مالی از بخش غیردولتی: سازمان‌های غیردولتی برای ادامه حیات و بقا نیازمند حمایت هستند. این حمایت‌ها به صورت مستقیم شامل کمک‌ها، انعقاد قراردادها یا انتقال سرمایه دولت به آن‌ها می‌شود و به صورت غیرمستقیم در قالب معافیت‌های مالیاتی به خود سازمان‌ها یا به حمایت‌کنندگان آن‌ها تعلق می‌گیرد.

در اغلب کشورها این حمایت‌ها بسیار محدود است و چه بسا در نبود قانون، باعث سوءاستفاده و تقلب شود به نحوی که سازمان‌هایی که خدمات ارزشمندی عرضه می‌کنند از کمک‌ها محروم گردند و در مقابل، سازمان‌های فرصت طلب از ضعف قانون سوءاستفاده

1. quasi-NGOs

۲. **قدیمی بودن نظام‌های قانونی:** وجود قوانین قدیمی به خصوص در صورت دشوار یا ناممکن بودن اصلاح آنها مشکل آفرین است. در این شرایط با این توجه که موارد بسیار مهم دیگری برای قانونگذاری وجود دارد و برای سازمان‌های غیردولتی قانون وجود دارد اهتمام چندانی به اصلاح و تدوین قوانین ناظر بر سازمان‌های غیردولتی نمی‌شود و دولت بر اجرای قوانین موجود پا می‌فشارد. توجه دیگر این است که چون امکان اصلاح قوانین ناچیز است باید به همان قانون قدیم استناد کرد. اما نباید از نظر دور داشت که قوانین جدید محدودیت‌ها و تنگناهای سازمان‌های غیردولتی را کم‌تر می‌کند و وضع قوانین تازه امتیازی جدید برای مشروعیت این سازمان‌ها محسوب می‌شود.

۳. **وجود قوانینی که سلطه و نظارت دولت را شدت می‌بخشد:** دولت‌ها مایل‌اند تسلط زیادی بر سازمان‌های غیردولتی داشته باشند و قوانین نامناسب، ابزار مناسبی برای نیل به این مقصود در اختیار آنها می‌گذارد. این موضوع در ثبت سازمان‌های غیردولتی و تعیین هیأت رئیسه آنها نمود بیش‌تری دارد. گاه اینگونه تضییقات و کنترل‌ها با ضمانت‌هایی که در قانون اساسی برای آزادی بیان و انجمن‌ها وجود دارد در تعارض است. لذا باید به طور دقیق فعالیت‌های خلاف قانون این سازمان‌ها تصریح شود به گونه‌ای که در صورت تعارض منافع آنها با دولت، امکان دادخواهی داشته باشند.

۴. **وجود قوانین متعدد:** گاه قوانین با هم متعارض‌اند و به دلیل اولویت دادن به منافع بخشی، در نهایت به زیان سازمان‌های غیردولتی تمام می‌شوند.

۵. **سوء استفاده از الزامات مربوط به صدور مجوز و پروانه فعالیت:** نظارت دولت بر سازمان‌های خاصی مانند خیریه‌ها، خانه‌های سالمندان، پرورشگاه‌ها و فعالیت آنها که جزو وظایف مهم دولت در حمایت از عموم مردم است به دلیل برخورداری این سازمان‌ها از معافیت‌های مالیاتی با سخت‌گیری زیادی همراه است. به هر حال صدور مجوز یکی از وظایف اصلی دولت است و به سختی می‌توان تشخیص داد که آیا از آن سوء استفاده می‌شود یا خیر؟ وجود قوانین شفاف در مورد وظایف دولت در این باره از سوء استفاده از آن جلوگیری می‌کند.

کنند. باید نظام مالی دقیقی وضع شود تا حقوق سازمان‌های غیردولتی و حامیان آن‌ها تزییع نشود و در عین حال مجازات‌هایی برای سازمان‌هایی که از قوانین موجود سوءاستفاده می‌کنند پیش‌بینی گردد.

۸. بی‌توجهی به مقررات داخلی سازمان‌های غیردولتی: قانون نباید اختیار سازمان‌های غیردولتی را در زمینه وضع مقررات و آیین‌نامه‌های داخلی محدود کند اما باید در قوانین ناظر بر این سازمان‌ها مفادی پیش‌بینی شود که نحوه اداره داخلی آن‌ها را روشن سازد. البته گاه این محدودیت‌ها باعث می‌شود سازمان‌ها نتوانند به راحتی اهداف خود را دنبال کنند. این مفاد می‌تواند شامل شیوه‌هایی باشد که هیأت رئیسه باید رعایت کند. همچنین وجود مقرراتی در قانون سازمان‌های غیردولتی که ناظر بر روابط بین اعضا و جلوگیری از تعارض منافع اعضا و اداره‌کنندگان باشد بسیار مفید است. باید به این سازمان‌ها کمک کرد تا رویه‌ای مناسب برای کار خود در پیش گیرند. مقررات مربوط به قواعد داخلی سازمان‌های غیردولتی تأثیر زیادی در کاهش سوءاستفاده‌ها دارد و به آن‌ها کمک می‌کند کار خود را به صورت تخصصی انجام دهند و اعتبار اجتماعی کسب کنند. همچنین اگر سازمان‌های غیردولتی تحت نظارت مستمر گروه‌های ناظر و رسانه‌های جمعی باشند از نظارت دولت کاسته می‌شود.

بنابراین با عنایت به مشکلات مذکور و نیز تأکید اصل ۲۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبنی بر این که «احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی، انجمن‌های اسلامی، اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند، مشروط به این که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچ کس را نمی‌توان از شرکت در آن‌ها منع کرد یا به شرکت در یکی از آن‌ها مجبور ساخت». تدوین و تصویب قانون جامع ناظر بر فعالیت سازمان‌های غیردولتی ضمن زمینه‌سازی و تسهیل شرایط و ضوابط تأسیس و فعالیت در سازمان‌های غیردولتی، بر دامنه حمایت و نظارت قانون‌مند از آن‌ها می‌افزاید و مانع فعالیت‌های مغایر با هنجارهای حاکم بر سازمان‌های غیردولتی و سوءاستفاده از آن‌ها خواهد شد؛ همچنین مشارکت گسترده مردم در امور

مختلف را ممکن و تقویت هر چه بیش‌تر جامعه مدنی و ارکان آن‌ها را در پی خواهد داشت.

منابع و مأخذ

۱. کاتوزیان، ناصر؛ دوره مقدماتی حقوق مدنی، تهران: دادگستر، زمستان ۱۳۷۶.
 ۲. آیتی، محمد ابراهیم؛ تاریخ اسلام، چاپ چهارم، تهران: دانشگاه تهران، تیرماه ۱۳۶۶.
 ۳. مرانلو، زهرا؛ بررسی جایگاه قانون سازمان‌های غیردولتی در ایران، تهران: شورای جمعیت، بهار ۱۳۷۹.
4. Carl W.Simon; "The Role of law in corrigen Civil Society", International Centre for not-for-Profit Law, 1999.

